

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی مکاتب معنابخشی در مطالعات سازمان و مدیریت

محل انتشار:

پژوهش‌های مدیریت عمومی، دوره 17، شماره 64 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 36

نویسندگان:

وحید خاشعی - دانشیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مهدی ابراهیمی - دانشیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مهدی حقیقی - دانشیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

الیه شیعه زاده - کاندیدای دکتری مدیریت بازرگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

در دنیای حاضر روش‌هایی که مدیران به کار می‌گیرند، منبعث از معنابخشی آنان به محیط بوده و براین اساس چگونگی معنابخشی مدیران به پدیده‌های موجود، نقش قابل توجهی بر کیفیت و چگونگی اتخاذ سیاست‌های آنان دارد چراکه درک معنا دادن به پیام‌های دریافتی از محیط زمینه ساز اقدامات بعدی برای پاسخگویی به این نشانه‌ها است. بر این اساس نوشتار پیش رو با بهره‌گیری از الگوی مطالعه تطبیقی جورج بردی به مطالعه و بررسی تطبیقی نظریات و مکاتب معنابخشی موجود پرداخته و مترصد است مشخص نماید در مطالعات سازمان و مدیریت کدام یک از چارچوب‌های معنابخشی تبیین بهتری برای شرایط و پدیده‌ها ارائه می‌دهد. یافته‌های پژوهش مبین آن است که در مطالعات سازمانی چارچوب ارائه شده توسط وایک و اسنودن مبنای بهتری برای تحلیل پدیده‌های سازمانی بوده است. بر این اساس با درک معنابخشی می‌توان امید داشت تلاش‌های مدیران برای کنترل محیط پیچیده پیرامون خود بهتر ارزیابی شده و از آن به منظور هدایت کنش‌های سازمانی و شکل‌دهی به واکنش‌های افراد در محیط خود استفاده شود.

کلمات کلیدی:

معنابخشی، سازمان، مکاتب معنابخشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2024707>

